

از گوشه و کنار

خوراک مردم ۳۶ درصد گران شد



رئیس مرکز آمار ایران: آن چه زندگی مردم نمایان می سازد، تورم ماهانه و نقطه به نقطه است اما ارزیابی سیاست گذاران و دولت مبنی بر تورم ۱۲ ماهه است.

تورم نقطه به نقطه در شهریور جاری نسبت به شهریور سال گذشته ۲۶ درصد افزایش داشته که برای خوراک ۳۶ درصد و برای جزئیات و کالاهای بادوام مردم ۷۰ درصد و میوه و خشکبار ۷۵ درصد است. پارسا این ادعا را که تورم همان افزایش قیمت دلار است، رد کرد و افزود: افزایش قیمت دلار، سکه و ماشین آلات تازمانی که در دل کالا و خدمات مصرفی نرود، به صورت تورم لحاظ نمی شود. امید علی پارسا با اعلام این که شیوه محاسبه سنجش تورم تغییر نکرده است، اظهار داشت: «سال ۹۵ آخرین سال پایه مرکز آمار و بانک مرکزی است و کلیه محاسبات بر مبنای ۴۵۷ قلم کالا صورت می گیرد.



فقر ۴۰ درصد در آمدشان را صرف غذایی کنند، ثروتمندان ۱۰ درصد

حمید دبهیم اقتصاددان، کاهش درآمد در کنار تورم آتی را مهم دانسته و می افزاید: مانده تنها کاهش درآمد داریم، بلکه تورم بالا را نیز تجربه می کنیم. این تورم مانند موربانۀ اساس اقتصادی کشور را نابود می کند. البته تاثیر تورم بر اقشار فرودست جامعه بالا خواهد بود.

وی افزود: اگر شاخص هزینه های زندگی را مد نظر داشته باشیم، یک فقیر تقریباً ۳۵ تا ۴۰ درصد از هزینه های خود را صرف مواد غذایی می کند در حالی که این میزان برای افراد مردم ۱۰ درصد است. بنابراین با افزایش تورم به ویژه در اقلام خوراک هزینه آن برای اقشار ضعیف بالا خواهد بود و این تبعات اجتماعی می تواند داشته باشد. البته نباید فراموش کرد در شرایط تورمی وضعیت افراد را با داشتن انواع دارایی ها بهتر می شود.



مردم حاضرند برای دو سال طول عمر یک میلیارد تومان هزینه کنیم؟



حسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت در یک گفت و گوی تلویزیونی در توجیه سیاست این وزارتخانه نسبت به صد هافردمیتا به «اس ام ای» گفت: «این بیماری «اس ام ای» دارویی اش یک میلیارد تومان است. بیشتر تحریک هم از جانب شرکتی ایجاد می شود که می خواهد وارد کند. حالا یا مردم اجازه می دهند که برای افزایش دو سه سال عمر هر سال ما یک میلیارد تومان هزینه کنیم، اگر این اجازه می دهند معنی اش این است که مایا پاد از جای دیگری بزنیم.»

وزیر بهداشت این بیماری را به صراحت جز بیماری هایی دانست که نیازی به توجه ندارد و گفت: «ما از این بیماری ها زیاد داریم. هزینه فوق العاده زیاد و طول عمر پایین. حالا من مانده ام که شیر خشک تامین کنم یا کسی که کلاممکن است این دارو طول عمرش را دو سال بیشتر کند. من اجازه دارم از جیب بقیه مردم بزنم برای این کار؟»



دارو از اسمارتیز و نان هم ارزان تر است

در حالی که مسئولان وزارت بهداشت اعلام کرده اند دارو تنها ۹ درصد افزایش قیمت داشته است، اما بررسی های میدانی و ابلاغ نرخ از سوی داروسازی ها حکایت از آن دارد که در برخی از موارد قیمت دارو تا ۸۵ درصد رشد داشته است. کیانوش جهانپور سخنگوی سازمان غذا و دارو بابیان این که قیمت دارو در کشور به شدت کنترل شده است، گفت: به جرات می توان گفت که بعد از نان، اقلام دارویی ارزان ترین قیمت را دارد. و تصریح کرد که قیمت دارو و مشمول نظارت وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو است. تعیین نرخ آن تابع سیاست های اقتصادی و تجاری شرکت های خصوصی نیست.

در جامعه ما، دولت مردان، امنیت بی به مسائل اجتماعی می دهند. اگر جامعه به راه حل را در امنیتی کردن عرصه می بینیم، به جای این که پاسخ اجتماعی بدهیم

این خاطر است که ما ایرانیان انسان های کوتاه مدت شده ایم. در حالی که در یک جامعه آرام می توان برای یک سال آینده تصمیم گرفت. وقتی مردم در دسترسی به نیازهای روزمره زندگی دچار مشکل باشند و ناامنی فکری داشته باشند سرمایه اجتماعی کم می شود.

مورد مهم دیگری که دکتر حسینی بر آن تاکید دارد، «فساد سیستمی» است. در گزارش آینده پژوهی ایران، فساد سیستمی به عنوان مهم ترین مشکل جامعه نام برده شد. در کجای روابط اجتماعی می توان تاثیرات این فساد را دید؟ فساد سیستمی در جامعه ما فقط مالی نیست. در تمام روابط این فساد را می بینید. هر کجا روابط به جای ضوابط قرار بگیرد، فساد به وجود می آید. نسل مسئولین کشور ۴۰ سال است در یک دایره بسته نهان تا ۲۰۰ نفری در حال گردش است. این چرخاندن مدیران قبلی تحقیر نسل های بعدی است. این چرخش افراد در احزاب غربی هم وجود دارد، اما احزاب با نقد همدیگر اصلاحات تدریجی و مدوامی در سیستم ها به وجود آورده اند. از طرف دیگر هر قدر روابط اداری از صورت رسمی خودش خارج شود و به صورت خانوادگی دربیاید، آن سیستم حتما دچار فساد می شود. وقتی حکومت خانوادگی شد همه نسبت به هم کوتاه می آیند و در یک قدرت سهیم می شوند. حالا مقداری دست اصول گرا و یک مقدار دست اصلاح طلب، در چنین شرایطی مردم فقط ناظر نیستند. وقتی این پدیده ها را می بینند بی اعتمادی اولین موردی است که به وجود می آید. بی اعتمادی مردم نسبت به حاکمان جامعه و هم چنین در روابط با افراد دیگر گسترش می یابد. یکی از دلایل مشکلات اجتماعی ما «ضعف اخلاقی جامعه است» که آن هم ناشی از فساد سیستمی است. در جامعه ای که ضعف اخلاقی ارزشی و نظام گسیختگی هنجاری داریم دچار مشکلات خرد (مثل اختلافات زن و شوهر، فر دبا محله و...) تا مشکلات کلان (مثل رابطه مردم با حکومت) می شویم. نظام پزشکی و درمانی مانده بارز تاثیر فساد سیستمی بر اخلاقی یک طبقه است. نظام پزشکی و درمانی ما بسیار سود خواهانه است.

توجه بیش از اندازه به «امر سیاسی» در لایه های نهان جامعه پنهان شده بودند که با ضعف و خستگی امر سیاسی قدرت بروز و ظهور پیدا کرده اند و امروز خود را به شکل چالش و بحران اجتماعی نشان می دهند. امرکی جامعه ایران را در حال یک دگردیسی بزرگ ارزیابی می کند و معتقد است: مهم ترین دگردیسی های جامعه ایران در سه ساخت خانواده، دین و سیاست صورت خواهد گرفت. امرکی، دوران کنونی را دوران طلایی و بهترین دوران جمهوری اسلامی تلقی می کند و تصریح می کند: جمهوری اسلامی باید نشان دهد که توانایی حل این بحران ها و چالش های اجتماعی را دارد.

انسان ایرانی کوتاه مدت شده است

دکتر حسن حسینی جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به چند عنصر مهم در زمینه مسائل اخیر اشاره می کند و توضیحاتی در این مورد می دهد.

وی معتقد است مردم ما در حال حاضر «انسجام اجتماعی» ندارند. انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی مهم و اولین اولویت در مسائل اجتماعی است؟ جامعه ما جامعه با ثباتی نیست و تلاطم های زیادی را پشت سر گذاشته است؛ انقلاب، هشت سال جنگ و... ما تحولات عمده ملی در جامعه داشتیم که هم چنان اثرات شان بر جامعه قابل مشاهده است. ضمن این که بعد از جنگ نظامی خودمان جامعه، ا در حالت جنگ سرد نگاه داشتیم. مخصوصا در حوزه اقتصاد، اقتصاد مبنای زندگی است.

وقتی اقتصاد به مشکل بر می خورد، خود به خود زمینه های دیگر را هم تحت تاثیر قرار می دهد. یکی از دلایل اصلی عدم انسجام ملی مشکلات اقتصادی به خصوص در سال های اخیر است. وقتی کشور تحریم می شود، کارخانه ها، مزارع و... می خوابند، تعداد بیکاران بالا می رود و بهداشت و درمان مردم دچار مشکل می شود. اثرات روانی این اتفاقات در روحیه جامعه اثر می گذارد و این اثرات روحی در روابط اجتماعی بین افراد بروز می کند. چه تاثیری بر روابط اجتماعی خواهد گذاشت؟ در این شرایط جامعه دچار «گوئیسیم» می شود؛ نوعی گلیم خود را از آب بیرون کشیدن، خود پرستی و دیگران را ندیدن. در این شرایط افراد منافع خود را به هر چیزی ترجیح می دهند و سعی می کنند از امکاناتی که در دسترس شان است به هر نحوی به نفع خود استفاده کنند. الان چنین شرایطی بر جامعه ما حاکم است. اطمینان مردم به قیمت کالا ها کم شده و در روابط اقتصادی با یکدیگر مشکل دارند. تزلزل و تلاطم فکری، انسان ها را در تصمیم گیری بی ثبات می کند و آن ها را دچار زندگی کوتاه مدت می کند. به

شرایط حساس کنونی ایجاب می کند که ما ایرانیان همه و همه مرزبندی های جناحی، سیاسی، قومی را کنار گذاشته و با وحدت و انسجام حول منافع و مصالح و امنیت ملی، کشور را از خطرات پیش روی نجات بخشیم. اکنون وقت آن است که با صداقت، صراحت و شفافیت تمام و با عذر خواهی از ملت بزرگ ایران برای کوتاهی ها در بهره گیری از فرصت ها و امکانات، با گفتن اصلاحی و ملی در حل مشکلات کشور اهتمام ورزیم.



سپهری می کند و کمترین امیدی به دولت مردان خود ندارد.

آیا جامعه ایران در حال فروپاشی است؟

دکتر تقی آزاد امرکی، جامعه شناس و استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، معتقد است جامعه ایران، جامعه ای در حال فروپاشی نیست، بلکه جامعه ای است که مشکلات اجتماعی بسیار متکثر، موقعیتی، حوزه ای، دوره ای، فردی و متعلق به یک گروه اجتماعی خاص دارد که همه این ها با همدیگر حضور هم زمان دارند و قیل و قال در این جامعه در مورد این مسائل و مشکلات وجود دارد ولی این مشکلات اجتماعی نیست که به هم پیوند بخورد و به سرعت حادثه ای بزرگ تولید کند، به نظر من این مشکلات در هم تنیده، نشان از فربه و چاق شدن و قدرت مند شدن جامعه دارد. اگر چنانچه این مشکلات در هم تنیده، امکان بروز، رفت نداشته باشند و رفع نشوند، آن وقت جامعه به سمت یک ساخت خطرناک پیش می رود. ولی اگر به جامعه اجازه داده شود در هر کدام از این مشکلات، از موقعیت خودش تصمیم بگیرد، یعنی راه حل های اجتماعی برای مشکلات اجتماعی ارائه شود و نه راه حل های سیاسی برای مشکلات اجتماعی، آن وقت این جامعه، خودش می تواند در مقابل جایی و به نفع جایی و یا علیه جایی عمل کند. در این راستا راه حل این است که پاسخ اجتماعی به مشکلات اجتماعی داده شود.

یانادرست به کم و کیف مشکلات، به ویژه در شبکه های اجتماعی دامن زده و روان جمعی جامعه را پریشان، نگران و ناآرام می کنند. اکنون در نخستین گام به عنوان یک تعهد اخلاقی، بیاییم تصمیم بگیریم، کمتر به این پریشانی ها دامن زده و تکیه گاه عمومی ملت را بر پایه های امید و تلاش برای حل و فصل مسائل پیش روی بگذاریم.»

این بیانی به ضمن اشاره به نکاتی در رابطه با مواردی هم چون «عدم شفافیت»، «فساد و ناکارآمدی»، «گسست اجتماعی»، «بحران آب و محیط اجتماعی و امید»، «بحران تولید» و «بحران زیست»، «تابسامانی تولید» و «بحران معیشت خانوار» و «بحران در سیاست خارجی»، تصریح کرده است: «شرایط حساس کنونی ایجاب می کند که ما ایرانیان همه و همه مرزبندی های جناحی، سیاسی، قومی را کنار گذاشته و با وحدت و انسجام حول منافع و مصالح و امنیت ملی، کشور را از خطرات پیش روی نجات بخشیم. اکنون وقت آن است که با صداقت، صراحت و شفافیت تمام و با عذر خواهی از ملت بزرگ ایران برای کوتاهی ها در بهره گیری از فرصت ها و امکانات، با گفتن اصلاحی و ملی در حل مشکلات کشور اهتمام ورزیم.»

این بیانی به، کمابیش صدای همه مردم ماست. مردمی که اکنون بدون هیچ چشم اندازی، روزهای خود را در آونگ ناوک اقتصاد و سیاست گذاری ها و سیاست مداری های غلط و شتاب زده



آذر فخری، روزنامه نگار

بعد از مدت ها و هر چند پس از رسیدن کار دبه استخوان، بالاخره صدایی از سوی اندیشمندان و کارشناسان ذی صلاح، به گوش رسید. صدایی گرچه ضعیف، گرچه سرشار از مامشات و بازی یکی به نعل و یکی میخ، اما مهم. بگذارید بگویم: به تصور کنیم که این صدا و این بیانی به مهم است؛ شاید شنیده شود... شاید پاسخ بگیرد... پاسخ بگیریم. اندیشمندان و کارشناسان ذی صلاح حوزه های مختلف در بیانی های که این روزها منتشر کرده اند، تاکید دارند که: «در بیشتر حوزه های حیاتی زیست ملت ایران، با چالش های بنیادینی در رابطه با کم آبی، خشک سالی، ریزگردها، فقر، رکود تورمی، ناامنی های اقتصادی و اجتماعی، شکل گیری انتظارات تخریبی، تنش در عرصه سیاست خارجی، کیفیت همبستگی دولت-ملت و سطح اعتماد ملی روبه رو شده ایم. گرچه پرداختن به آن ها در جای خود بسیار حایز اهمیت است، اما در این جا در صد و اکوی و چرایی آن ها نیستیم. همه ما امروز نشانه ها، پیش آگهی ها، ضربان ها و شاخص های بحران اشاره شده را با تمام وجود حس می کنیم. نباید گذاشت کام ملت با برشرمدن دوباره این دشواری ها و بحران ها، تلخ تر شود. متأسفانه یکی از خطاهای امروز ایرانیان این است که روز روز با انتشار اخبار درست

یادداشت

پسران، قربانی مرد بودنشان می شوند



فانزه تاج، دکترای روانشناسی عمومی

تازمانی که حادثه آزار جنسی ناظم مدرسه ای پسرانه در غرب تهران رسانه ای نشده بود، برای بعضی از افراد تصور اینکه ممکن است پسر بچه ها نیز همانند دختر بچه ها مورد سوء استفاده جنسی توسط فرد مورد اطمینان شان قرار بگیرند مساله ای دور از ذهن تلقی می شد. در واقع همیشه گمان و باور عمومی اذهان و افکار جامعه این بود که موضوع تعرض جنسی فقط معطوف به آسیب های زنان و دختران است؛ گویی پسران و مردان خارج از این قاعده قرار دارند؛ واقعیت این است که پسران نیز به اندازه دختران در معرض خطر تعرضات جنسی هستند و به سبب آزادی و خودمختاری بیشتری که در رفت و آمدهایشان دارند، حتی بیشتر در معرض خطر آسیب های اجتماعی هستند و این اندیشه که آزار و اذیت جنسی فقط مختص فرزندان دختر است، تصویری پوشالی و غلط است. چه بسیار مردانی هستند که در آزار و تعرض دوران کودکی و نوجوانی را در خود تحمل می کنند و دچار انواع و اقسام

اختلالات، بیماری های روان تنی و آسیب های جسمانی- روانی می شوند، اما باز هم برای رهایی از در عمیق این آزارها به سکوت خود ادامه می دهند و به خاطر ترس از قضاوت های خانواده و دیگر اطرافیان و همچنین باور های فرهنگی غلط جا افتاده هرگز لب به سخن نمی گشایند. روانشناسان معتقدند بستر فرهنگی و زمینه خانوادگی که فرزندان پسر در آن رشد می کنند، همچنین ترویج و اشاعه ی سرکی از باور های غلط از دوران کودکی همچون «مرد که هرگز گریه نمی کند» یا «مرد که هیچوقت از احساسات و عواطفش نباید حرف بزند» همگی دست به دست هم می دهند تا پسر چه بی پناه موضوع تعرض یا تعدی را همچون رازی مهر و موم شده در درون سینه اش حفظ کند و افزایش خطر ابتلا به انواع بیماری های روانی و جسمانی را به خاطر همین فرهنگ غلط که پذیرش قربانی بودن برای یک مذکر به معنای «ضعیف بودن» یا «مرد نبودن» است را به جان بخرد. از منظر روانشناسی نکته مهم آن است که این معضل اجتماعی با افزایش میزان آگاهی و دانش خانواده ها و بویژه والدین قابل پیشگیری است، مشروط به آنکه پسران را نیز همانند فرزندان دختر در بار مسائل بهداشت جنسی

هوشیار و آگاه سازند؛ همچنین فرزندان شان را برای آموزش های مربوط به سلامت و بهداشت جنسی مسائل دوران بلوغ آماده کنند تا به این ترتیب تاحدودی از بروز چنین اتفاقات تلخ و ناگواری کاسته شود. از دیدگاه آسیب شناسی نیز تاثیر روانی این آزار و اذیت ها بر ذهن این دسته از کودکان از یک سو و نگرش منفی افراد جامعه، اطرافیان و حتی بعضی از اعضای خانواده ها از سویی دیگر در زمره مسائلی محسوب می شوند که به شدت بر تخریب روحیه این افراد می افزایند و منجر به بروز انواع اختلالات روانی مثل افسردگی، تغییرات خلق و خو و پر خاشگرگی می شوند. البته مشکلات و آسیب های روانی دیگری همچون خود آزاری، خشم بدون کنترل، ترس از دیگران، فکر یا اقدام به خودکشی، اعتیاد و ایجاد حس انتقام از کسی که این بلایا بر سر شان آورده است در این دسته از افراد نیز مشاهده می شود. بر اساس تحقیقات و پژوهش های انجام شده روانشناسان معتقدند بعضی از این پسرچه های زخم خورده بدلیل نداشتن ارتباط موثر و مطلوب با پدر، یا بدلیل تهدید شدن از سوی فردی که آنها را مورد آسیب قرار داده، و یا نیز به سبب مقصر دانستن خود در جریان اتفاق پیش آمده، از بیان و بازگویی آسیب وار د شده به والدینشان ترس دارند از این رو کارشناسان روانشناس به پدران و مادران تاکید می کنند که هر کدام از آنها با فرزند همجنس خود ارتباط نزدیک و صمیمی برقرار کنند و با ایجاد فضای امن در بستر

خانواده شرایطی را فراهم آورند تا فرزندان بتوانند در صورت بروز هر گونه اتفاقی بدون ترس از سرزنش شدن با صراحت و در کمال آرامش مشکلات و ناراحتی های خود را با والدینشان در میان بگذارند. همچنین به والدین توصیه می شود پیش از فرار سیدن دوران بلوغ، فرزندان را از اتفاقات و مسائل این دوران آگاه سازند و راه های مراقبت و محافظت از بدنشان را نیز به آنها آموزش دهند. با توجه به مطالب مطرح شده می توان گفت کودکی که در معرض آزار و سوء استفاده جنسی قرار می گیرد چون قدرت تجزیه و تحلیل شرایط پیش آمده را ندارد در درونش «یک من بد» را پدید می آورد و به این ترتیب احساس گناه سر اسر و جودش را فرامی گیرد. در نتیجه، خشم سرکوب شده و احساس گناه سبب شکل گیری اضطراب درونی در کودک می شود و این قضیه تا جایی ادامه پیدا می کند که فرد احساس امنیت درونی خود را از دست می دهد. از این رو به عنوان نکته آخر به والدین این دسته از کودکان تاکید می شود با بهره مندی از دور های روان درمانی و مساعدت های روانشناسان در مان به موقع را شروع کنند و در فضای آرامش بخش و سرشار از امنیت تکلیف فرد را در باره فاجعه ای که برایش رخ داده روشن سازند و با ایجاد نگرش مثبت، ارتقای کیفیت زندگی و همچنین کمک به شکل گیری مجدد عواطف و هیجانات مثبت در فرزندان زمینه را برای بهبودی سلامت روانی- جسمانی وی فراهم آورند.